

اعتراف تلخ نامادری به قتل پسر ۲ ساله با متادون

19 آبان 1404

زن جوان که از گریه‌ها و بی‌قراری‌های پسر بچه 2 ساله همسرش به تنگ آمده بود، با خوردن شربت متادون باعث مرگ وی شد.

عذاب وجدان داشتم و می‌ترسیدم رازم برملا شود

راز این جنایت زمانی فاش شد که زوج جوانی با در آغوش داشتن کودکی دو ساله به یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران رفته و عنوان کردند حال کودک وخیم است، اما زمانی که کادر درمان به معاینه پسر دو ساله پرداختند مشخص شد او فوت کرده است.

مرگ مشکوک

گرچه آثار و علائم کبودی و شکنجه روی بدن کودک دیده نمی‌شد اما موضوع به بازپرس موسی رضازاده اعلام شد. به دستور بازپرس جنایی جسد کودک برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی انتقال داده شد.

با انجام آزمایش‌های سم‌شناسی، متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند که علت مرگ مسمومیت با داروی متادون است. با برملا شدن این موضوع بازپرس جنایی دستور احضار والدین کودک را صادر کرد اما آنها از حضور در دادسرا خودداری کردند و همین مسأله شک تیم جنایی را برانگیخت. در ادامه بازپرس جنایی دستور بازداشت آنها را صادر کرد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی وارد عمل شدند. با حضور در خانه زوج جوان مشخص شد آنها تهران را ترک کرده و به شهرستان زادگاهشان رفته‌اند. بنابراین کارآگاهان جنایی پس از هماهنگی‌های قضایی راهی شهرستان شده و هر دو را بازداشت کرده و برای تحقیقات به تهران منتقل کردند.

اعتراف نامادری

مشاوره تلفنی



مرکز تخصصی

مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده

حال خوب

دکتر رویا درویش پیشه

۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

ازدواج و زوج درمانی

شماره: ۵۹۱۱

سال تأسیس: ۱۴۰۲

با شروع تحقیقات، پدر کودک گفت: «وقتی بچهام یک‌ساله بود مادرش طلاق گرفت و رفت. من هم با شهناز ازدواج کردم. خودم پیک موتوری هستم و مدتی قبل تصادف کردم و در پایم پلاتین گذاشتند. مجبور شدم به خاطر تحمل درد متادون مصرف کنم، اما متادون در دسترس بچهام نبود که بخواهد آن را بخورد. روز حادثه وقتی به خانه رفتم بچهام خواب بود. از همسر پرسیدم چرا خوابیده، گفت بچه زیاد بازی کرده و حالش هم خوب نبود بهتر است بخوابد. اما چند ساعتی که گذشت و بچهام بیدار نشد نگران شدم و دلم هم برایش تنگ شده بود، به همین دلیل سراغش رفتم که متوجه شدم نفس نمی‌کشد و فوراً او را به بیمارستان رساندم. بعد از مرگ بچهام نتوانستم تهران را تحمل کنم و به زادگاه محل زندگی‌ام برگشتم و زمانی که احضاریه برایمان آمد همسرم گفت توجهی نکن به همین دلیل به دادسرا نرفتم.»

به دنبال اظهارات مرد جوان، احتمال دست داشتن نامادری در مرگ کودک قوت گرفت. در تحقیقات زن جوان اعتراف کرد او متادون را به پسر دو ساله داده است. با اعتراف زن جوان به دستور بازپرس شعبه دوم دادرسی امور جنایی تهران او در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و همسرش آزاد شد.

حوصله نگهداری از بچه مردم را نداشتم
34 سال دارد و دوبار ازدواج کرده است.

چرا به بچه متادون دادی؟

بچه چند روزی بود که بی‌تابی می‌کرد و مریض بود. چهارشنبه به همسرم گفتم او را به دکتر ببریم اما او گفت پول ندارد. درنهایت قرار شد شنبه سر کار برود و بعد از بازگشت کودک را به دکتر ببریم. روز حادثه بچه خیلی اذیت می‌کرد و اعصابم خرد شده بود. تصمیم گرفتم کمی شربت متادون به او بدهم

شاید آرام شود و بخوابد.

خودت فرزند داری؟

نه همسر اولم به خاطر اینکه بچه دار نشدم طلاقم داد. خانواده همسر دومم نیز به همین دلیل با ازدواج ما مخالف بودند. اما چون به هم علاقه داشتیم با هم فرار و بعد هم ازدواج کردیم. با این حال حوصله بچه اش را نداشتم، خیلی اذیت می شدم بچه یک نفر دیگر را بزرگ کنم.
چرا بعد از مرگ بچه از تهران رفتید؟

عذاب وجدان داشتم و می ترسیدم رازم برملا شود به همین دلیل به همسرم گفتم تو که در تهران کار درست و حسابی نداری، بهتر است به شهرستان محل زادگاهمان برگردیم.

گزارش: مرضیه همایونی